

گزارش «فرهیختگان» از فرامتن پاریس ۲۰۲۴ که بیش از یک رقابت ورزشی بود

پدیدارشناسی روح المپیک



میلاد جلیل زاده

خبرنگار گروه فرهنگ

بازی های المپیک طی چند سال اخیر همیشه با یک سری اعتراضات اجتماعی و رسانه‌ای همراه بود که عمده آنها به بهره‌کشی های ناعادلانه از کارگران برای توسعه زیرساختی مقر میزبانی و اجحاف در حق ساکنان آن منطقه و مسائلی از این دست برمی‌گردد.
اسمال یک مساله جدید هم به دایره اعتراضات اضافه شده بود که مانند برخی در صحنه‌ای تاریک جهید و نه تنها در روز قبل از افتتاحیه فضای اعتراضات کارگسری به المپیک را تحت تاثیر قرار داد بلکه در طول برگزاری رقابت‌ها هم مرتبا طغین آن به گوش می‌رسید؛ مساله فلسطین.
اینکه رژیم اشغالگر قدس توانسته بود نمایندگانی در این رقابت‌ها داشته باشد به شعله این خشم تنوره بیشتری می داد اما گذشته از همه این مسائل که اگر المپیک در هر کشور دیگری برگزار می‌شد همچنان می توانست رخ بنماید، مسائل به خصوصی بود که به برگزاری المپیک در فرانسه مربوط می‌شدند؛ از پس مراسم افتتاحیه و حواشی انبوه آن پدیدار شدند.
در مراسم افتتاحیه فرهنگ لائیک فرانسه، شکلی تهاجمی به خود گرفت و با تمسخر پیامبران الهی خشم بسیاری از دینداران راد در دنیا برانگیخت.
به علاوه نقش پرزنگی که به همجنس رازان در نمایش های افتتاحیه المپیک داده شد به نوعی می توانست زورگویی یک فرهنگ خاص به تمام فرهنگ های دیگر دنیا باشد که مجبور بودند ببینند خط قوم‌هایشان به شکلی توهمین آمیز زیر پا گذاشته می شود.
در ادامه و طی برگزاری رقابت‌ها غیر از حضور بی‌ایمان هم‌رزشکاران رژیم صهیونیستی مسائل سیاسی دیگری هم به واقع آزاد هنده بود که از جمله آنها پرزنگ کردن نقش پناهجویان و مخدوش کردن مرزهای وطنی بود.
اینکه پناهندگان سیاسی بتوانند تیم ورزشی مجزایی داشته باشند به رغم ظاهر انسانی و دوستانه‌ای که دارد عملا یک قلدری از جانب کشورهای غربی است و علاقه‌ها بودن و جهانی بودن این مسابقات را زیر سوال می‌برد؛ چراکه حتی نمی‌توان تصور کرد مثلا یک پناهنده آمریکایی در روسیه کاربا بتواند به تیم پناهندگان المپیک بپیوندد حال آنکه مورد عکس آن هر روز در محیط تقویت است.
غیر از هویت ملی چیز دیگری که در المپیک پاریس زیر سوال رفت هویت جنسی بود.
اینکه یک مرد بتواند با اعلام تغییر جنسیت به مصاف با زنان برود هم ظلم به مردان است، هم ظلم به زنان و هم تجاوزوی علنی به مفاهیمی که از پس قرن‌ها تمدن اجتماعی بشر پدید آمده و حالا با ماجراجویی های فردگرایانه به بنیان‌شان حمله می‌شود.
به رغم اینکه بسیاری از کشورها تلاش کردند از همین فرصت یعنی المپیک پاریس استفاده کنند تا سرود ملی خودشان را بنوازند و مردم میهن‌شان را حول یک هیجان همسویری چند روزهمدل کنند طرز برگزاری رقابت‌ها طوری بود که بیم دور شدن مسیر کلی آن از چنین کارکردی را به وجود آورد. البته این راه هم باید توجه داشت که خصوصا از لحاظ مسائل جنسی و جنسیتی هیچ جای دنیا مثل فرانسه نیست.

اختتامیه محتاطانه اما بودار

شاهماگه یکشنبه یازدهم اوت ۲۰۲۴، مراسم اختتامیه بازی های المپیک نایبستانی پاریس در ورزشگاه دو فرانس برگزار شد. طبق پروتکل سنتی المپیک این مراسم حاوی ارثه‌های فرهنگی از دو کشوری است که یکی میزبان فعلی المپیک است و دیگری میزبان بود. بعد. بنابراین فرانسه و ایالات متحده در طراحی این رویداد نقش

المپیک رنگین‌کمانی



ایمان عظیمی

خبرنگار گروه فرهنگ

المپیک ۲۰۲۴ پاریس هم به مانند دیگر المپیک‌ها به پایان رسید و کاروان ایران در نهایت به جایگاه مناسب بیست و یکم دست یافت. ما در کشتی فرنگی و تکواندو جمعاً به سه مدال طلا رسیدیم و در کشتی آزاد هم نسبتا خوب عمل کردیم اما فارغ از ماموریتی که ورزشکاران مان در المپیک به‌عنوان سرایزان این مملکت برعهده داشتند بهتر است به مسائلی که شاید آنچنان با چشم غیرمسلح قابل ردیابی نیستند بپردازیم و زاویه دید و نظرگاه خود در مواجهه با المپیک به مثابه یک امکان فرهنگی را مشخص و مطرح کنیم.
المپیک پاریس مواجهه عیان و برهنه ما با دنیای مدرن و لیبرالیسم هار فرهنگی است به طوری که مردم سراسر دنیا از همان ابتدا و در همان برنامه افتتاحیه با افتضاح عیان شدن این ایده روبرو شدند و لب به اعتراض گشودند. موضوع از این فرار بود که برگزارکنندگان المپیک تصمیم گرفتند از نقاشی شام آخر داوینچی استفاده کنند و با هجو نشان‌ها حتی مسیحیت را نیز در موطن خود به سخره بگیرند.
فرانسوی‌ها با انتخاب توماس ژولی در جایگاه کارگردان هنری مراسم افتتاحیه هدفی جز برهم زدن آنچه خودشان از آن به عنوان برهم زدن کلیشه‌های ملی و جنسی یاد می‌کردند، نداشتند.
المپیک پاریس پانکی پر تمام ارزش‌ها و هنجارهایی بود که جوامع برای پدید آوردن آن از دالان‌های چند هزارساله تاریخ گذشته بودند و حتی برای پاسداری‌شان در طول تاریخ ریشه‌ها متمحل ریخته شدن خون‌های زیادی شده بودند.
به عبارتی این یک ارتجاع به دوران ماقبل اجتماعی انسان بود. آنها برای افتتاحیه این مراسم –که در روود سن برگزار شد- تدارک ویژه‌ای ترتیب دادند. شام آخر آنه برای تحسین از هنر گذشته، بلکه به منظور

چارسو

این دولت سند ملی سینما را به اجرامی‌رساند؟

در آخرین جلسه شورای هنر در دولت سیزدهم، سند ملی سینمای ایران مورد بررسی مجدد قرار گرفت و بعد از انجام آخرین اصلاحات موردنظر اعضا و تکمیل آن، مصوب شد. این سند تا پایان هفته جاری توسط رئیس شورای هنر، به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال می‌شود. این موضوع درحالی است که هفتم مرداد ماه در جلسه شورای هنر با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره سند ملی خانه سینما صحبت شد و وزیر ارشاد هم از خانه سینما خواست که در ویرایش این سند نقش آفرینی بیشتری کند تا در نهایت سند آماده تصویب شود. بعد از این موضوع این سند با مخالفت جدی جامعه اصناف سینمای ایران مواجه شد تا جایی که محمد مهدی عسگرپور، رئیس هیات‌مدیره خانه سینما در واکنش به این سند سینمایی در تویییت نوشته بود: «اصرار مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد برای تصویب سند ملی با اشکالات بسیار مهم و ضربه‌زننده به سینما در روزهای پایانی کارشان نه تنها خدمت به سینما نیست، بلکه بسپازناشایست است.»

داشتند. علاوه بر اینها سخنان پابانی توسط توماس باخ، رئیس کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) و تونی استنگوگت، رئیس کمیته سازماندهی بازی‌های المپیک و پارالمپیک COJOP ارائه شد. توماس باخ گفت که در این دوره از بازی‌ها بیشترین پیشنهاد ازدواج بین شرکت‌کنندگان وجود داشته و تشکر ویژه‌اش را از میان تمام تیم‌های حاضر در رقابت، به تیم پناهندگان تقدیم کرد و اظهار خرسندی اش را از این بابت اعلام داشت که در این دوره از رقابت‌ها «برابری جنسیتی» برقرار بود. او همچنین اعلام کرد این آخرین دوره‌ای خواهد بود که در جایگاه رئیس کمیته بین‌المللی المپیک قرار خواهد داشت. تحویل رسمی پرچم المپیک از شهردار پاریس، آن هیدالگو به شهردار لس آنجلس، کارن باس که شهر او میزبان بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۲۸ خواهد بود و خاموش کردن شعله المپیک هم از دیگر بخش‌های رسمی این مراسم بودند اما ارائه فرهنگی از سمت فرانسه و در ادامه آن آمریکا با توجه به آنچه در افتتاحیه این بازی‌ها دیده‌شد چیزی بود که احتمال بالایی برای ایجاد حواشی در آن وجود داشت.

شکل برگزاری این افتتاحیه خشم بسیاری را نه تنها در سرتاسر دنیا بلکه حتی در خود فرانسه هم برانگیخت. در این رویداد چهار ساعته که در امتداد رودخانه سن برگزار شد، درگ‌کوبین‌ها مردان زن پوش) در مراسم افتتاحیه المپیک پاریس در مرکز صحنه قرار گرفتند تا نقش پرجنب‌وجوش و تاثیرگذار جامعه LGBTQ+ فرانسه را به نمایش بگذارند. در میان اجراهای حاشیه‌ساز آنها صحنه‌ای بود که به نظری می‌رسید تداعی‌کننده تابلوی «شام آخر» اثر لئوناردو داوینچی بود. گروهی از درگ‌کوبین‌ها به همراه سایر اجراکنندگان به جای عناصر آن تابلو قرار گرفتند و پیکربندی‌شان یادآور عیسی مسیح و حواریونش بود، یعنی یک همجنس باز را جای یک پیامبر گذاشتند. این توهمین آشکار به مسیحیت خشم بسیاری از مومنان را در سراسر جهان برانگیخت اما قضیه به همین محدود نماند و نمایشی از یک زن با لباس قدیمی اروپای قرن نوزدهم با موسیقی «هارد متال» هم پیش شد که نمادی از «ماری آنژوات» و اسپین ملکه فرانسه قبل از انقلاب این کشور بود. او با سری بریده در دستانش به نمایش درآمد و در همین نما رنگ قرمز از فواره‌های آتش بازی که بسیاری انتظار داشتند محیط شادی را تداعی کند، به آسمان پخش شد. علاوه بر این در این نمایش یک هزینه‌نگاری روی کشتی‌های شناور برآب به نمایش گذاشته می‌شد و یک دختر بیچه هم در این میان حضور داشت که همین نکته شوک بزرگ دیگری بود.

درپی جنجال‌های پیش آمده پیرامون مراسم افتتاحیه تیزی رپول که مدیر اجرایی این رویداد بود گرفت از تیشم خواسته تا مراسم اختتامیه را چندین بار بررسی و بازبینی کنند و اطمینان حاصل شود که هیچ صحنه‌ای نمی‌تواند به‌شبهه‌ای توهمین آمیز تفسیر نادرست شود. این مراسم ترکیبی از بخش‌های فیلم‌برداری شده و زنده راه به نمایش گذاشت که نیمه دوم آن یعنی بخش مربوط به المپیک لس آنجلس از شهر لاک‌بیچ ایالت کالیفرنیا ضبط شده بود اما به همانند مراسم افتتاحیه، مراسم اختتامیه هم توسط ماس جول، بازیگر و کارگردان هنری فرانسوی کارگردانی شد.

بخش فرانسوی این مراسم طبق معمول با اجرای یک خواننده آغاز شد و سپس دیگر فرانسوی المپیک که ترکیبی از لامپ‌های نورانی و آب بود، در باغ توپلری خاموش شد؛ درحالی‌که شعله المپیک واقعی که در همان نزدیکی گذاشته شده بود، توسط لئون مارشان، شتاگر فرانسوی که قهرمان چهار دوره المپیک بود به استاد یوم برده شد. اما خاموش شدن نمادین مشعل المپیک پیام نمادینی داشت. صحنه‌ای که برای مراسم اختتامیه المپیک پاریس برپا شده بود ابتدا نامشخص و مبهم به

روزگار

عقب‌نشینی از آنچه روایت‌های سنتی می‌پنداشتند احضار و بازنمایی کردند. البته خوشبختانه صدای بسیاری درآمد و حتی کلیسای کاتولیک فرانسه نیز نمایش صحنه‌ای مشم‌متکذند جنسی را تمسخرآمیز خوانند. در نهایت هم مسئولان برگزاری آژاکسیون بی‌مایه مجبور به غدرخواهی شدند. ولی این اتفاقی نیست که بتوان از آن به راحتی عبور کرد چون در طول فرآیند لیبرالیزه کردن جوامع، اقداماتی نظیر بازنامایی زشت شام آخر نقشی بسیار حائز اهمیت ایفا می‌کنند و نه فقط به کام هویت‌های نوظهور جنسی و فرهنگی خوش می‌نشینند، بلکه سیر تغییرات را با عادی‌سازی و با اسم رمز کلیشه‌زدایی جنسی همچون شوک‌درمانی در اقتصاد شدت نیز می‌بخشند.

اتفاق مهم دیگری که در این المپیک به وقوع پیوست حضور ایمان خلیف، بوکسور الجزایری در مسابقات بود. او درحالی توانست به مدال طلای بوکس زنان دست پیدا کند که پیش‌تر اجازه حضور در مسابقات بوکس زنان را به دست نیاورده بود ولی این فرصت در المپیک پاریس برای او مهیا شد تا با پشت سر گذاشتن رقبا تنها مدال طلای الجزایر را به دست بیاورد. حضور او در مسابقات بوکس زنان در المپیک با حاشیه‌های فراوانی همراه شد و موجب گردید تا بحث مهم و بسیار داغی درباره او شکل بگیرد. البته کمیته بین‌المللی المپیک چند بار به صورت رسمی اعلام کرد ایمان خلیف به‌اصطلاح ترنس یا حتی مرد نیست و بر مبنای تست‌های پزشکی یک زن محسوب می‌شود ولی باز با این حال نمی‌توان از دوره‌می رنگین‌کمانی جنبش‌های نوظهور جنسی در المپیک پاریس چشم‌پوشی کرد. حتی اگر چشم خود را روی حاشیه‌هایی که حضور این بوکسور زن الجزایری در مسابقات داشت ببندیم باز نمی‌توانیم حملات عجیب وغریب رسانه‌های غربی علیه این ورزشکار را صرفاً به جنسیت

نظر می‌رسید و زمانی که تاریکی سراسر عرصه را فراگرفت و خطوط دره شکسته صحنه با نور سفید سردی روشن شد، شکل آن مشخص شد: هزاران تماشاگر که جایگاه‌ها را پر کرده بودند، به نقشه‌ای از جهان خیره‌شده بودند که زنده در نور سوسو زنده، می‌درخشید و مه فرابنده‌ای در اطراف آن بود. در قسمت بالایی میدان یک گوی طلایی شروع به باز شدن کرد و به آرامی، یک چهره درخشان به زمین فرود آمد؛ ترکیبی از حشره و فرشته، یک بیگانه انسان‌نمای بال‌دار طلایی از دوران باستان. این موجود را به افتخار کیسول زمانی Voyager Golden Record ساخت فرانسه که سال‌ها پیش برای ارتباط با هوش فرازمینی به آسمان پرتاب شد، Golden Voyager نامگذاری کرده بودند و همچنین نشان دهنده «روح باستیل» و خدای اساطیری یونانی هلیوس Helios که ایند و نماد خورشید است، بود. هنگامی که پاهای زرهی آن موجود صحنه الم‌س کرد موجودات خاکستری نقادار شروع به خزیدن در سراسر عرصه کردند و در کنار پنج چرخ فلزی بزرگ رهاشده در سراسر زمین قرار گرفتند. با اصرار خاموش این چهره طلایی آنها هم طوری که حرکت‌شان به حفاری‌های باستان‌شناسی می‌ماند دست به کار شدند و چرخ‌های بزرگ را از چهارگوشه جهان بیرون کشیدند تا آنها را به عنوان پنج حلقه المپیک به آسمان بالای استاد یوم برسانند.

این نمایش غیر از ادای احترام به بعضی از عناصر فرهنگ مدرن فرانسوی، به نوعی پیام بازسازی المپیک در فرانسه را هم داشت؛ انکار المپیک‌کی که یک بار در یونان متولد شده بود بار دیگر در فرانسه متولد می‌شود؛ همان طور که فرانسوی‌ها مدعی‌اند کشورشان یونان دوران مدرن است. این روایت در حقیقت داشت آخل‌زمان بدون المپیک را به تصویر می‌کشید که فرانسه آن را در فرآیندی شبیه به رنسانس بازیابی و احیای می‌کند.
از اصلی‌ترین مولفه‌هایی که باعث رخ دادن رنسانس شد باگشت بشر غربی به تاریخ یونان باستان و زمینی دیدن پدیده‌ها پس از یک دوره طولانی دینداری بود. فرانسوی‌ها انقلاب ۱۸۷۹ در کشورشان را بعد از رنسانس فصل مهمی در پدید آمدن گفتمان مدرن قلمداد می‌کنند و اشاره به زندان باستیل که ویران شدن آن به دست انقلابیون از نقاط عطف آن رویداد بود، از همین رو معنا می‌یابد.
اینکه یکی از خدایان یونان باستان به زمین می‌آید و در عین حال هم نام و هم‌رنگ با پرتابه فضایی است، تلاشی است در جهت به دست دادن تصویر و تفسیر مادی از تمام اساطیر یا هر آنچه که رنگی ماوراء الطبیعی داشت. همه اینها در یک هارمونی معنایی که به مادی‌گرایی مدرن فرانسه مربوط هستند قرار می‌گیرند. درست است که در این نمایش تلاش شده بود به اندازه‌نمایش‌های مراسم افتتاحیه‌نشان‌ها‌های حساسیت‌برانگیز وجود نداشته باشد، اما روح و معنای کلی‌اش دقیقاً همانی بود که در افتتاحیه دیده شد. سپس نوبت به بخش آمریکایی ماجرا رسید و شهردار لس آنجلس به همراه سیمون بابلز، ژیمناست و آکروبات سیاه‌پوست آمریکایی برای تحویل گرفتن پرچم المپیک به سمت شهردار پاریس حرکت کرد. اینجا سرود ملی ایالات متحده بخش می‌شد تا اینکه نوافکن‌ها به سمت بالا چرخیدند و تام کروز، ستاره اکشن آمریکایی، با یک طناب از سگروی بالای ورزشگاه به پایین آمد؛ کروز، که مستقیماً یادآور صحنه‌هایی از فیلم «ماموریت غیرممکن» بود. این بازیگر به آرامی راه خود را از میان انبوه ورزشکارانی که مشغول تشویق بودند و برای سلفی گرفتن متوقفش می‌کردند باز می‌کرد و با آنها دست می‌داد و بعد رفت تا سوار موتورسیکلت شود و همچنانکه پرچم المپیک در دستش بوده به شکل سواره از ورزشگاه بیرون رفت. آمریکایی‌ها به این شکل نشان دادند که المپیک ۲۰۲۸ قرار است رنگ و بوی سینمای آنها را داشته باشد؛ خصوصاً اینکه بازی‌ها در لس آنجلس برگزار می‌شود؛ یعنی شهری که خیابان‌ها لیپود در آن قرار دارد.

روزگار

او تقلیل دهیم. خلیف با رعایت پروتکل‌های موجود که مورد تأیید خود غربی‌هاست وارد المپیک شده و اتفاقاً در همان بادی امر یک حرفی غربی را شکست داد که اگر چنین نبود، بعید بود شاهد شکل گرفتن هجمه‌های گسترده علیه او توسط رسانه‌های اروپایی و حتی محافظه‌کاران آمریکایی باشیم. در مورد این هجمه‌ها حتی اگر نگوئیم به دلیل ساخت آنجلا کارینی ایتالیایی در برابر این بوکسور رقم خورده است، حتما بخشی از آن به مساله استعمار بازخواهد گشت. الجزایر سال قبل بساط آموزش زبان فرانسوی را از آموزش و پرورش خود جمع کرد و این قضیه چندان به مذاق فرانسوی‌ها خوش نیامد. قائل به تزریق توهم توطئه به قضیه نیستیم اما غرب هیچ خوشش نمی‌آید سیطره فرهنگی و فکری خود بر دیگری را از دست بدهد و همین باعث می‌شود تا بالاخره به شیوه مطلوب نیش از بزنند؛ هرچند خوشبختانه دیگر همچون سابق قادر به از میان بردن حاکمیت ملی کشورها و استعمار فیزیکی آنها نیست ولی در عرصه فرهنگی هیچ دوست ندارد بازار باهش‌راز دست بدهد. فرانسوی‌ها حتی در کنفرانس خبری هم دست از سر خلیف برنداشتند و به زبان فرانسوی با او صحبت کردند. او البته صحنه را خالی نکرد و اصرار کرد با زبان غربی پاسخ خبرنگار را بدهد و خبرنگار هم مجبور شد تا سوال‌هایش را به زبان انگلیسی از این ورزشکار بپرسد.

در ابتدا اقرار این بود که اهداف تعلیمی و تربیتی بیش از هر چیز دیگر در المپیک رواج پیدا کند و خضلت‌های انسانی نظیر احترام متقابل به حرف، مماس با روح ورزش پیش برود اما المپیک هرچه به جلو حرکت کرد بیشتر در گرداب استحاله و دگرگونی فرو رفت و مفاهیم آموزشی‌اش نیز به دست فراموشی سپرده شد. دوبینگ، خشنونت زیاد در بازی‌ها، ابزاری شدن رویداد‌های ورزشی به نفع جنبش‌های تازه دست‌وپا درآورده

جنسی و حتی اقتصاد سودآور آن برای شرکت‌های چندملیتی ازجمله مواردی است که جنبه آموزشی و حتی معنوی بازی‌های المپیک را به حاشیه‌کشانده است.

گفتیم که لیبرالیسم هار فرهنگی در حال تغییر ماهیت جهان ما به سمتی است که نمی‌توان عاقبت خوشی برایش دنظر گرفت. بخشی از این تغییر ماهیت به جابه‌جا شدن مرزهای هویت ملی و حتی خدشه وارد شدن به امر ملی بازی‌گرود. تمام آنچه هویت‌های جمعی نامیده می‌شوند باید ذبح شوند تا آنچه اقتصاد شرکت‌محوری خواهد برآورده شود. یک ورزشکار به هر دلیلی نتیجه می‌گیرد که به کشور خود پشت کند و بنا به تصمیم شخصی پرچم کشور دیگری را در مسابقات بالا ببرد و تنها به موفقیت خودش دل ببندد. مواردی از این دست در دنیا به کرات اتفاق می‌افتد و ایران هم از این قاعده مستثنی نیست ولی چون ایرانیان خواسته یا ناخواسته در مقابل ابتلائات واقتصادات جهان مدرن قرار می‌گیرند و به‌طور مثال نمی‌توانند با تصمیم شخصی یک ورزشکار برای پناهندگی یا مهاجرت کنار بیایند، این اتفاق به‌ظاهر ناخوشایند را به زمین و زمان ربط می‌دهند. درحالی‌که واقعیت دنیای غربی آن چیزی نیست که این نگاه‌های سانسنتی مانندال توانایی درکش را داشته باشند. غرب اما با ایستادن در برابر کشورهای همچون ما –که هنوز هویت ملی بریمان‌ان تعریف مشخصی دارد- قصد دارد با تبلیغات خوش‌رنگ‌وعلاب و فریبنده روی روان مردم کار کند و مواهب دنیای فردمحور و خودسنسای خود را در برابر نگاه‌های متخیر قرار دهد تا مای ایرانی نسبت به هر چیزی که بوی اینجامی دهد احساس ناخوشایندی داشته باشیم و با زودند حصار باید‌ها و نیا باید‌ها در توهم خوشبخت شدن به جای دیگری کوچ کنیم، اما نمی‌دانیم که هیچ‌واحه و آبادی خاصی در آن طرف انتظارمان را نمی‌کشد.



توضیحات علیرضا حیدری

درباره حواشی حضور در برنامه تلویزیونی

یکشنبه شب علیرضا حیدری، دایزده ۶ مدال کشتی جهان و المپیک، به همراه حسین توکلی، قهرمان ونزه برداری المپیک سیدنی میهمان‌های ویژه برنامه اختتامیه المپیک ۲۰۲۴ پاریس در شبکه ورزش بودند که صحبت‌های مجریان و نحوه‌ترک برنامه توسط علیرضا حیدری، با حواشی زیادی همراه شد. پس از صحبت‌های علیرضا حیدری در رابطه با مسابقه ناهید کیانی مقابل کیمیا علیزاده، حواشی مبنی بر اینکه مجریان صداوسیما در واکنش به صحبت‌های حیدری او را از ادامه حضور در برنامه منع کرده و با دیالوگ‌های خود او را به خارج از برنامه هدایت کردند، مطرح شد. علیرضا حیدری به این حواشی واکنش نشان داد و به ایستادگفت: «موضوع آن‌طور که در فضای مجازی مطرح شد نیست و کسی بنده را از برنامه بیرون نکرد. من خودم از مجریان و تهیه‌کننده برنامه درخواست کرده بودم که زودتر پیش‌زنده را ترک کنم؛ چراکه دیروقت بود و خسته بودم. اینکه کسی گفته باشد من دیگر در برنامه نباشم، این‌طور نبود و من خودم می‌خواستم برنامه را ترک کنم.»